

مقاله حاضر درصدد بررسی تطبیقی میانگین شاخص تنبلی در ایران و ۵۵ کشور جهان، این سؤال اساسی را دنبال می‌کند که آیا ایرانیان از دیگر کشورهای جهان تنبل‌ترند؟ به‌همین منظور شاخص تنبلی ساخته شد تا میانگین این شاخص بین ایران و دیگر کشورها مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرد. این پژوهش در مقام آزمون مدعا و بررسی فرضیات تحقیق، از روش تطبیقی کمی استفاده نموده است و بر مبنای تحلیل ثانویه مجموعه داده‌های کمی در سطح جهان، بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵، میانگین تنبلی در ایران را با دیگر کشورهای جهان مورد تحلیل قرار داده است. نتایج نشان می‌دهند که بر اساس شاخص ساخته شده در این تحقیق میزان تنبلی ایرانیان از متوسط جهانی بیشتر است و تنها کشورهای عربی بیش از ایرانیان دچار تنبلی‌اند و رتبه اول تنبلی در جهان را دارند. در انتها نیز تلاش شده تا برخی راهکارهای فردی و جمعی تنبلی نیز بیان شود.

■ واژگان کلیدی:

تنبلی فردی، تنبلی اجتماعی، مطالعه تطبیقی

بررسی تطبیقی شاخص تنبلی در ایران و کشورهای جهان و برخی راه‌حل‌ها*

محمدرضا جوادی یگانه

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
myeganeh@ut.ac.ir

زینب فاطمی‌امین

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی
zeinab.fatemi@gmail.com

مجید فولادیان

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی نظری فرهنگی دانشگاه تهران
m.fouladiyan@gmail.com

بیان مسئله

بررسی دوره‌های تاریخی مختلف و مطالعه سفرنامه‌های فرنگیانی که به ایران سفر کرده‌اند، شواهدی از تنبلی ایرانیان به دست می‌دهند (رایت، ۱۳۸۵؛ موریه، ۱۳۸۰؛ وامبری، ۱۳۷۲؛ بنجامین، ۱۳۶۶؛ پولاک، ۱۳۶۱؛ اورسل، ۱۳۵۲ و مورگان، ۱۳۳۵). به علاوه در بُن بیشتر مشکلات افراد جامعه و مشخصه‌هایی که کم و بیش از آنها با عنوان آسیب‌های فرهنگی و یا اجتماعی یاد می‌کنند، خصوصیت اخلاقی تنبلی اجتماعی را مشاهده می‌کنیم که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، بسیاری از ویژگی‌های نامطلوب ما بر روی آن سوار شده است و در فرهنگ و خصلت جمعی ما بسیار ریشه دارد (چلبی، ۱۳۸۱؛ قاضی مرادی، ۱۳۷۸؛ بازرگان، ۱۳۵۷ و جمال‌زاده، ۱۳۴۵). این مسئله تا بدانجا مهم است که رهبران جامعه نیز «تنبلی اجتماعی» را به‌عنوان «دشمن درونی ایرانیان» مطرح کرده‌اند.

در کلی‌ترین برداشت، تنبلی را مترادف با فقر حرکتی می‌دانند. فردی تنبل است که هیچ رغبت و اشتیاقی به تحرک و جنب و جوش نداشته و از پویایی و جست و خیز در گریز است. در جامعه‌ای که تنبلی رخنه می‌کند، افراد آن برای انجام امور کوچک و بزرگ در زندگی شخصی و یا مناسبات اجتماعی و عمومی، همیشه کار امروز را به فردا می‌اندازند، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را به دیگران واگذار می‌کنند، تغییر و تحولی را که آرزو می‌کنند - بدون کوچک‌ترین اقدامی - از دیگران انتظار می‌کشند، عادت به فکر کردن ندارند و برای هر انتخابی تعلل می‌ورزند. در نتیجه در چنین جامعه‌ای میزان تولید و بازده شغلی بسیار پایین و علاقه و اشتیاق به کار کم است؛ سازندگی به کندی پیش می‌رود و زمان از ارزش واقعی برخوردار نیست. روشن است که جامعه تنبل دچار رخوت و خواب‌آلودگی می‌شود، در پذیرش اندیشه و مصرف کالا هیچ نظام و ترتیبی رعایت نمی‌کند. تجارت، صنعت و علم، یا راکد است و یا به کندی به پیش می‌رود، جریان پیشرفت دچار انحراف می‌شود و انسجام، تعادل و سلامت جامعه به خطر می‌افتد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد فرهنگ مصرف و غفلت، می‌تواند از جمله پیامدهای تنبلی در چنین جوامعی محسوب گردد.

همچنین استفاده نامناسب از نیروی انسانی برای توسعه یک کشور نیز پیامد دیگری است که جامعه توأم با تنبلی با آن مواجه می‌شود. این در حالی است که در هر کشوری نیروی انسانی مهم‌ترین عامل برای توسعه محسوب می‌شود و وجود تنبلی اجتماعی می‌تواند مهم‌ترین مانع توسعه و پیشرفت گردد.

با توجه به این مطالب، مقاله حاضر در پی آن است تا پرسش اصلی این تحقیق که «آیا ایرانیان تنبل هستند؟» را با استفاده از داده‌های کمی و آماری بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد. برای این مهم ابتدا شاخصی نظری (با تکیه بر داده‌های بین‌المللی موجود) ساخته می‌شود و در مرحله بعد با بهره‌گیری از روش تطبیقی، از این شاخص برای مقایسه ایران با دیگر کشورهای جهان استفاده می‌شود و به تحلیل ثانویه داده‌های کمی در سطح جهانی پرداخته می‌شود.

مبانی نظری

در فرهنگ فارسی «تنبلی» به معنای تن‌پروری، بی‌کاری، کاهلی و اهمال و سستی به کار رفته است (فرهنگ فارسی، ج ۱: ۱۱۴۷). تنبلی یا سستی (فتور) از نظر لغوی به دو معنی استفاده می‌شود: دست کشیدن پس از استمرار در کاری، یا سکون بعد از حرکت و جنبش؛ و کسالت، بی‌حالی یا سستی و تنبلی پس از شادابی و کوشش. از لحاظ اصطلاحی نیز تنبلی «دردی است که ممکن است گریبانگیر بعضی اشخاص دارای فعالیت و کار گردد. البته هر انسانی حتماً دچار آن می‌گردد. درجه پایین آن؛ کسالت، سستی یا تنبلی است و درجه شدیدتر آن؛ دست کشیدن از کار و آرام و سکون گرفتن پس از شور و شوق مداوم و تحرک و فعالیت پیوسته می‌باشد» (ساروخانی، ۱۳۷۰).

مقوله تنبلی به‌عنوان یک خصیصه فردی موضوع مطالعه روان‌شناسی قرار گرفته و از آن به «همال کاری»^۱ یاد شده است. روان‌شناسان (آلیس و جیمز نال، ۱۳۷۵ و آقا تهرانی، ۱۳۸۳) اهمال کاری را چنین تعریف کرده‌اند: «کاری را که تصمیم به اجرای آن داریم، به آینده موکول کنیم». جوهره این رفتار نیز، تعویق انداختن، تعلل ورزیدن، سبک گرفتن و سهل‌انگاری در کار است. «بلس» نیز تنبلی را به تعویق انداختن کارهایی می‌داند که فرد باید می‌کرد یا دوست دارد بکند. به عبارت دقیق‌تر، تنبلی، «به تعویق انداختن انجام کاری است که می‌دانید همین الان باید انجام شود و به آینده موکول گردد» (بلس، ۱۳۸۶: ۱۴).

برخی جامعه‌شناسان «تنبلی اجتماعی» را با کرختی و رخوت اجتماعی^۲ مترادف دانسته و رشد کند حرکت اجتماع را «تنبلی اجتماعی» نامیده‌اند. در این تعاریف مضمون‌هایی مثل عدم پذیرش تحولات جدید و قبول تداوم حرکت‌های نامنتطب با حیات اجتماعی را از مختصات تعاریف «تنبلی اجتماعی» می‌دانند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۰۷).

اما در ادبیات جامعه‌شناسی، کمتر بحثی درباره تنبلی موجود است و در ایران، تقریباً هیچ بحثی در این باره موجود نیست، لذا در این مقاله تلاش می‌شود با تکیه بر «نظریه انتخاب عقلانی»^۳ حدود مفهومی تنبلی اجتماعی بیان و روشن شود.

اصول و مبانی (آگزوم) کنشگر عقلانی، پایه تقریباً تمام نظریه‌پردازی‌های مؤثر در علوم اجتماعی است (اودن، ۲۰۰۱؛ استارک، ۱۹۹۴؛ بودون، ۱۹۹۸ و کلمن، ۱۳۷۷). در نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی معطوف به هدف (یا در تعریف ویر کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری) دارند. این افراد آگاه و مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۹).

«کلمن» سردمدار جامعه‌شناسی انتخاب عقلانی بر این عقیده است که «کنشگر، کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد» (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲). نظریه فردگرایانه و

1. Procrastination
2. Social Inertia
3. Rational Choice Theory

عمومی او درباره نظام‌های اجتماعی تلاش وی برای حل این مسئله اصلی جامعه‌شناسی است که تبیین پدیده اجتماعی با توجه به خود افراد و نه دیگر شیوه‌های موجود می‌باشد. عناصر پایه و اصلی نظریه کلمن درباره نظام‌های اجتماعی، کنشگران و منابع یا وقایع‌اند. کنشگران در این منابع و وقایع، منافع داشته و بر برخی از آنها تسلط دارند. اصلی‌ترین ایده‌های نظری عبارت‌اند از: (۱) اینکه افراد به دنبال نفع فردی بوده و به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی می‌خواهند سود حاصل از منابع و وقایع را به حداکثر برسانند. (۲) اینکه به منظور به حداکثر رسانیدن این سود، تسلط بر این منابع و وقایع را با یکدیگر مبادله می‌نمایند.

نگاهی کوتاه به آثار نظریه‌پردازانی چون؛ «ماکس وبر»، «هرسانی»^۱، «ریمون بودون» و «جان الستر» آنان را در زمره صاحب‌نظران نظریه انتخاب عقلانی قرار می‌دهد (اودن، ۲۰۰۱). به طوری که «ماکس وبر» برای روشن شدن کنش عقلانی به طبقه‌بندی کنش می‌پردازد. «هرسانی» عمل عقلانی را در زندگی روزمره، رفتاری می‌داند که بهترین وسایل در دسترس، برای رسیدن به یک هدف مشخص انتخاب می‌کنند (هرسانی، ۱۹۸۶: ۸۳). «بودون» نیز مانند وبر به معنای ذهنی کنش یا باورها توجه دارد. وی، یک الگوی شناختی^۲، یا جایگزینی برای انتخاب عقلانی را پایه‌گذاری می‌کند (بودون، ۱۹۹۸)، که در برگرفته کنشی است که نه منفعت‌طلبانه است و نه حتی ابزاری است. «جان الستر» فیلسوف و تاریخ‌دان نروژی، همانند کلمن و بودون، انتخاب عقلانی را با توجه به جستجوگری برای مبانی خرد توجیه می‌کند. نظریه عمومی جامعه‌شناسی الستر در موارد بسیاری با الگوهای انتخاب عقلانی ارائه شده از سوی کلمن و بودون مشترک است، به جز اینکه این نظریه از نظریه کلمن و حتی نظریه بودون کمتر ساختارگرایانه است.

با استفاده از چارچوب انتخاب عقلانی، می‌توان برای تبلی دو حالت در نظر گرفت: «تبلی فردی» و «تبلی اجتماعی». «تبلی فردی» (که از آن، علاوه بر laziness به temporal dilemma هم یاد شده) حالتی است که فرد میان دو انتخاب مخیر می‌شود، یکی لذت آنی و دیگری نفعی شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت.

انتخاب کردن و نیز علم به زیان‌آور بودن انتخاب لذت فعلی و سودمند بودن نفع آینده ابعاد مهم تبلی‌اند. انتخاب در اینجا به معنای آن است که یک کنشگر عاقل، به صورت نسبی از مزایا و معایب هر دو گزینه آگاه است، یعنی می‌داند که الان چه می‌کند و می‌داند که انتخاب لذت آنی در زمان حال، چه زبانی برای فرد در آینده دارد و با علم به این دو گزینه، «انتخاب» می‌کند. البته در بسیاری موارد، رفتار و انتخاب فرد از نظر ناظر بیرونی، مصداق تبلی است، اما فرد رفتار خود را تبلی نمی‌داند، یا آنچنان که باید، از عواقب رفتار خود آگاه نیست. در این صورت، باید با تربیت یا حتی اجبار وی را به سمت گزینه درست رهنمون شد.

1. Harsanyi
2. Cognitive Model

نکته دیگر اینکه، گاه فرد به دلیل تعارض شناختی وقتی به دنبال لذت آنی باشد، مزیت‌های نفع آتی را کمتر از حد واقعی برآورد می‌کند و نیز زیان‌های عدم دنبال کردن نفع آتی و بی‌عملی و لذت‌طلبی آتی را کمتر برآورد می‌کند. علاوه بر آن، محاسباتی را وارد می‌کند که غیرمعقول است، مانند وقتی که فرد مراجعه به دندانپزشک برای معاینه دندان خود را به عقب می‌اندازد و همواره امیدوار است که رشد علم و تکنولوژی در آینده، این تنبلی وی را جبران کند. همچنین، فرد گاه اصولاً محاسبه را کنار می‌گذارد و اصلاً توجهی به عمل خود ندارد، چون با هر محاسبه‌ای، رفتار وی غلط است؛ لذا کار را به فردا واگذار می‌کند (چو فردا شود فکر فردا کنیم) و مهم آن است که «الآن» نیست و لذا وجدان فرد آسوده است. لذا در «تسویف» و در فرایندی که نفس بر سر خود کلاه می‌گذارد، باید دقت بیشتر کرد.

آنتونی گیدنز نیز تعریفی مشابه از تنبلی دارد. او (به نقل از کسل، ۱۳۸۶: ۲۵) با طرح مسئله «امنیت وجودی» ذکر می‌کند که «کنشگران اعمالی را دوباره و دوباره به اجرا می‌گذارند که برایشان آرامش‌بخش بوده است. هر گونه آشفتگی و اختلال در این روال‌ها، نوعاً به منزله بی‌ثباتی تجربه می‌شود و افراد همواره مراقب اطراف خود هستند تا مطمئن شوند که وقایع طبق روال و به نحو قابل‌پیش‌بینی در جریان است. این مطلب، ماهیت محافظه‌کارانه زندگی اجتماعی را تا حدی تبیین می‌کند. ما آنچنان به امور مأنوس زندگی می‌چسبیم که حتی جنبه‌های ناخوشایند زندگی را نیز بازتولید می‌کنیم. پس ممکن است همچنان شغل خسته‌کننده یا ازدواج مصیبت‌باری را ادامه دهیم، حتی اگر گزینه‌های بهتری در دسترس باشد.»

باز هم امنیت وجودی تبیین می‌کند که چرا افراد کمتر درباره پیامدهای منفی رفتارهایشان تأمل می‌کنند، یا از موارد نگران‌کننده پرهیز می‌کنند، زیرا اگر فرد به‌طور جدی و پیوسته نگران تأثیرات نامعلوم (و فعلاً ناشناخته) هوای آلوده و مواد سمی بر جسم خود باشد، زندگی روزانه برایش دشوار می‌شود، لذا این امور به محاق فراموشی سپرده می‌شود (به نقل از کسل، ۱۳۸۶: ۴۷). نوع دیگر تنبلی، «تنبلی اجتماعی» است. تنبلی اجتماعی گاه محصول تنبلی افراد جامعه و برآیند تنبلی آنها است. یعنی وقتی کثیری از افراد، بی‌عمل و لذت‌طلب‌اند، در سطح جامعه نیز این فرایند مشاهده می‌شود. این نوع از تنبلی، نمودهای متعدد دارد؛ پایین بودن سطح بهره‌وری اداری، عدم اقبال به کار طولانی‌مدت و سخت و ...

اما صورت دیگر تنبلی اجتماعی حالتی است که «ریمون بودون» در کتاب «منطق اجتماعی» (۱۳۶۴) آن را «اثر نتیجه نظام‌های وابستگی متقابل» می‌داند. یعنی افراد در سطح فردی، رفتاری نسبتاً مطلوب دارند، اما این رفتار در سطح جمعی به نتیجه مطلوب منتج نمی‌شود. دلیل آن هم ناهماهنگی در سطح نهادهای اجتماعی است. فرضاً وقتی که تلویزیون برنامه‌های جذاب و آگهی‌های طولانی‌مدت خوش‌ساخت پخش می‌کند، هدف آن در اینجا کسب درآمد و جذب مخاطب است ولی در عوض مخاطب خردسال و نوجوان به‌جای انجام تکالیف، به تماشای تلویزیون جذب می‌شود و محصول آن، عدم موفقیت نظام آموزشی است.

بر اساس توصیف ذکر شده در بالا و با تأکید بر جزئیات تعریف تنبلی و نحوه برخورد افراد با آن و همچنین برجسته شدن عناصر انتخاب عقلانی، دو تعریف متفاوت از تنبلی می‌توان ارائه کرد (این دو تعریف، دو بعد متفاوت از تنبلی را می‌سازد):

- تمدید یا کش دادن یا اطاله وضعیت فعلی و عدم تمایل به تغییر رفتار یا وضعیت توسط کنشگر. که به نوعی بی‌عملی است و رخوت و رکود. مثل فردی که در یک ترافیک شلوغ از تاکسی پیاده نمی‌شود یا در زمان آگهی‌ها تلویزیون می‌بیند. در این بعد از تنبلی ترجیح کنشگر در آن است که وضع موجود، هر چند از آن لذت برده نمی‌شود، حفظ گردد.

- تسویف یا انتخاب لذت آنی بر نفع فردی آتی توسط کنشگر. این تعریف سه بعد دارد: نظام ترجیحات کنشگر، اندازه‌گیری از لذاذ آنی و اندازه‌گیری از نفع آتی. در اینجا عمل است مثل رفتن به پیک نیک، به کافی شاپ و.... گاه بر هم زدن وضع موجود تنبلی است، یعنی درس خواندن مداوم یا کار کردن مداوم حفظ وضع موجود است و رها کردن آن، عمل نویی است.

در این کار تحقیقاتی با توجه به اینکه از داده‌های پژوهش‌های بین‌المللی استفاده می‌کنیم و این داده‌ها از سطح تحلیل فردی به دست آمده و سپس برآیند آن به کل جامعه نسبت داده شده است به لحاظ روش‌شناختی «تنبلی اجتماعی» را محصول تنبلی افراد جامعه و برآیند تنبلی آنها محسوب کرده‌ایم. یعنی وقتی کثیری از افراد، بی‌عمل و لذت‌طلب‌اند، در سطح جامعه نیز این فرایند مشاهده می‌شود و جامعه‌ای که اکثر افراد آن تمایل کمی به تلاش داشته باشند تنبلی محسوب می‌کنیم. این نوع از تنبلی نمودهای متعدد دارد از جمله؛ پایین بودن سطح بهره‌وری اداری، عدم اقبال به کار طولانی‌مدت و سخت، تمایل به جذب شدن در دستگاه‌های دولتی، عدم ارائه ایده‌های جدید و خلاقیت در کار و زندگی، انتظار دریافت مزایا و پاداش‌های دولتی و....

روش تحقیق

این مقاله در مقام آزمون این مدعا که «ایرانیان افرادی تنبل‌اند» (در مقایسه با کشورهای دیگر) از «روش تطبیقی کمی»^۱ یا «تحلیل بین‌کشوری»^۲ برای سنجش داده‌های موجود درباره شاخص تنبلی اجتماعی استفاده کرده است. در این پژوهش واحد تحلیل «کشور»، سطح تحلیل «جهان» و واحد مشاهده «کشور/سال» است، این طرح تحقیق «مقطعی» بوده و در بین سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵، بر اساس داده‌های کمی کشورها انجام گرفته و داده‌ها نیز از بانک جهانی و از پیمایش ارزش‌های جهانی گردآوری شده‌اند. این داده‌ها در وبگاه این دو مؤسسه موجود است و می‌توان با طبقه‌بندی کشورها (که در این مقاله از یونسکو گرفته شده) داده‌های مورد نظر را استخراج کرد.

1. Quantitative Comparative Method

2. Cross – National Analysis

جمعیت آماری تحقیق را کلیه کشورهای تشکیل داده‌اند که واجد داده برای انجام مقایسه در این مقطع زمانی بوده‌اند. بدین ترتیب در این بخش استراتژی تمام‌شماری (عدم نمونه‌گیری) مدنظر قرار گرفت؛ با علم به این مطلب که محدودیت‌های عملی در وجود و دستیابی به داده‌های مناسب برای کلیه متغیرها در برخی از جوامع، خواه ناخواه تعداد کشورهای تحت‌مطالعه را تقلیل خواهد داد. واقعیت این است که در کلیه تحقیقات بین‌کشوری، حجم نمونه مآلاً توسط وجود داده‌های قابل دستیابی از متغیرهای مورد مطالعه، محدود و تعیین می‌شود. به‌همین دلیل یک مشکل مشترک و عمومی در این دسته از تحقیقات عبارت است از کمبود داده برای کلیه متغیرها در تمامی کشورها برای کل دوره زمانی مورد بررسی (راگین، ۱۳۸۸ و طالبان، ۱۳۸۹). در مجموع به دلیل فقدان داده‌های لازم برای برخی کشورها در این دوره زمانی، تعداد نمونه تحقیق به ۵۵ کشور محدود گردید.

از آنجا که در مطالعات بین‌المللی شاخص تنبلی وجود ندارد، با استفاده از تعریف ذکر شده برای تنبلی در بالا، تلاش شده تا نزدیک‌ترین معرف‌ها برای شاخص تنبلی برگزیده شود. معرف‌های شاخص تنبلی^۱ در مطالعه تطبیقی حاضر بدین شرح است (از آنجا که معرف‌ها به‌صورت مثبت تنظیم شده، می‌توان آنها را شاخص‌های عدم تنبلی نامید):

- اهمیت کار در زندگی افراد یک جامعه
- نظر درباره این دو ایده که؛ چون رقابت مردم را به سخت‌کوشی و رشد ایده‌های جدیدشان برمی‌انگیزاند، خوب است یا در مقابل؛ چون وضعیت بدی را به‌همراه می‌آورد، مضر و زیان‌آور است.
- در درآمدت معمولاً سخت‌کوشی، زندگی بهتری را فراهم می‌کند یا خوش‌شانسی.
- ارائه ایده‌های جدید و خلاق بودن
- پولدار بودن
- کمک به مردم و نزدیکان
- داشتن موفقیت‌های زیاد
- (دسته بالا از معرف‌ها، به‌واسطه توصیف فرد پاسخگو از مردم و شباهت خود فرد به این گویه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است).
- مطالبه پاداش و مزایای دولتی که فرد در اختیار ندارد.
- عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی
- تقلب در پرداخت مالیات
- (سه معرف اخیر نیز به‌واسطه قابل توجیه بودن این اعمال در نزد افراد جامعه، مورد ارزیابی قرار گرفته است).

۱. معرف‌های فوق از بین مجموعه گسترده‌ای از معرف‌های جهانی - با توجه به سطح دسترسی و وجود داده برای کشورهای مورد بررسی و به‌خصوص برای ایران - انتخاب شده‌اند.

مسئله اساسی در جامعه ایران (و این مقاله نیز)، تنبلی به عنوان یک رفتار است نه نظر آنها. اما از آنجا که دسترسی به رفتار مردم ممکن نبوده است، در برخی از موارد بالا، از نظر آنها استفاده شده است. اما باید این نکته را هم در نظر داشت که چون در این مقاله، بنا بر مقایسه میان جوامع بوده است، چون در همه آنها ترکیب یکسانی از نظر و رفتار مردم سنجیده شده است، می توان این ترکیب را با هم سنجید و مبنای کار «تطبیقی» هم همین مقایسه است. یعنی این ترکیب و جایگزینی آن به جای رفتار، تغییر معنی داری در نتیجه گیری ایجاد نمی کند. همچنین برخی از این شاخص ها، در نگاه اول کمتر با تنبلی رابطه روشنی دارند. اما اگر به تعریف ارائه شده از تنبلی رجوع کنیم (ترجیح نفع آتی بر نفع آتی)، مشخص می شود که برخی از شاخص ها (و به ویژه دو شاخص آخر) بیشتر ترجیح نفع فردی بر نفع جمعی است و نه نفع فردی آتی بر نفع فردی آتی. اما چنانچه در تعریف «دوراهی اجتماعی» نیز می توان مشاهده کرد (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷)، نفع فردی نیز می تواند از طریق نفع جمعی محقق شود و لذا با دقت در این تعریف، می توان به صورت غیرمستقیم، ترجیح نفع فردی آتی بر نفع جمعی آتی (و از طریق آن نفع فردی آتی) را نیز تنبلی دانست. این مورد، البته از تعریف تنبلی دور است و به عنوان یک محدودیت این تحقیق شناخته می شود ولی داده های در دسترس بین المللی محدود بوده و ناگزیر از استفاده از داده های مرتبط (چه مستقیم و چه غیرمستقیم) بوده ایم. بدین سان به منظور ساخت شاخص تنبلی این معرف ها را با هم ترکیب نموده و از آنجایی که همه این معرف ها به صورت مثبت آورده شده اند، شاخص عدم تنبلی به دست آمد. مقدار این شاخص بین ۰ تا ۱۰۰ است، به طوری که هر چه میانگین این شاخص بیشتر باشد به معنای تنبلی کمتر است. به همین دلیل در مرحله بعد عدد ۱۰۰ را از شاخص عدم تنبلی کم کردیم و در نهایت شاخص تنبلی ساخته شد. بدین معنی که هر چه میانگین گروه کشورهای مورد بررسی در این شاخص بیشتر باشد، بیانگر تنبلی بیشتر در این کشورها می باشد.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی این مقاله عبارت است از اینکه؛ میزان تنبلی در کشور ایران به طور معناداری از کلیه کشورهای جهان بیشتر است. فرضیات فرعی نیز بدین شرح می باشد:

۱. میزان تنبلی در کشور ایران به طور معناداری از گروه کشورهای آسیای شرقی و جنوبی بیشتر است.
۲. میزان تنبلی در کشور ایران به طور معناداری از گروه کشورهای عربی بیشتر است.
۳. میزان تنبلی در کشور ایران به طور معناداری از گروه کشورهای آفریقایی بیشتر است.

۴. میزان تنبلی در کشور ایران به‌طور معناداری از گروه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب بیشتر است.

۵. میزان تنبلی در کشور ایران به‌طور معناداری از گروه کشورهای اروپایی بیشتر است.

۶. میزان تنبلی در کشور ایران به‌طور معناداری از گروه کشورهای ثروتمند^۱ بیشتر است.

پایایی

برای شاخص‌سازی در اغلب موارد لازم است به سنجش پایایی مقیاسی که شاخص بر اساس آن درست شده، پرداخته شود. لذا در این بخش آلفای کرونباخ شاخص تنبلی محاسبه گردیده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی برای هر یک از معرف‌های شاخص تنبلی

مورد	انحراف استاندارد	میانگین	معرف‌ها
۵۵	۲/۲۳۲۶	۶۵/۳۰۴۲	اهمیت کار
۵۵	۳/۸۳۷۲	۷۷/۲۵۴۲	ایده‌های جدید
۵۵	۶/۳۲۲۰	۹۰/۹۸۱۳	پولدار بودن
۵۵	۳/۶۸۷۶	۷۲/۹۰۴۲	کمک به مردم
۵۵	۵/۵۲۰۷	۸۱/۴۳۷۵	موفقیت‌های زیاد
۵۵	۵/۹۳۲۴	۸۸/۸۱۰۴	رقابت
۵۵	۸/۴۶۵۰	۹۴/۱۸۹۶	سخت‌کوشی یا خوش‌شانسی
۵۵	۱۱/۴۶۴۱	۷۷/۷۹۵۸	مطالبه مزایا و پاداش‌های دولتی
۵۵	۱۱/۴۷۶۶	۷۷/۴۸۷۵	عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی
۵۵	۱۱/۸۷۰۶	۷۴/۹۱۶۷	عدم پرداخت مالیات

لازم به توضیح است که تعداد موارد برابر با تعداد کشورهایی است که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت در سنجش اولیه این معرف‌ها آن است که میانگین معرف‌ها به هم نزدیک است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی شاخص تنبلی

تعداد متغیرها	انحراف استاندارد	واریانس	میانگین	
۱۰	۴۱/۴۹۲۰	۱۷۲۱/۵۸۵۸	۸۰۸/۰۸۱۳	آماره‌های توصیفی شاخص

همچنان‌که مشاهده می‌گردد جدول فوق آماره‌های توصیفی شاخص تنبلی را نشان می‌دهد.

۱. کشورهایی که در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) عضویت دارند.

جدول ۳: آماره مربوط به هر گویه در رابطه با شاخص

ضریب آلفا پس از حذف گویه‌ها	همبستگی گویه‌ها با شاخص	میانگین شاخص پس از حذف گویه‌ها	
۰/۷۱۹۷	۰/۱۳۲۶	۷۳۵/۷۷۷۱	اهمیت کار
۰/۷۱۰۵	۰/۲۵۳۷	۷۲۳/۸۲۷۱	ایده‌های جدید
۰/۷۰۹۹	۰/۲۴۹۱	۷۱۰/۱۰۰۰	پولدار بودن
۰/۷۱۲۶	۰/۲۲۹۶	۷۲۸/۱۷۷۱	کمک به مردم
۰/۷۱۱۴	۰/۲۳۱۷	۷۱۹/۶۴۳۸	موفقیت‌های زیاد
۰/۶۸۸۱	۰/۴۲۳۸	۷۱۲/۲۷۰۸	رقابت
۰/۷۰۷۳	۰/۲۸۹۷	۷۰۶/۸۹۱۷	سخت‌کوشی یا خوش‌شانسی
۰/۶۵۰۶	۰/۵۷۲۵	۷۲۳/۲۸۵۴	مطالبه مزایا و پاداش‌های دولتی
۰/۶۲۷۰	۰/۶۵۷۲	۷۲۳/۵۹۳۸	عدم پرداخت کرایه وسایل نقلیه عمومی
۰/۶۳۵۹	۰/۶۲۶۵	۷۲۶/۱۶۴۶	عدم پرداخت مالیات

۱۲۰

$$\text{Alpa} = ۰/۷۱۴۴ \quad \text{Standardized item alpha} = ۰/۷۲۹۳$$

به‌طور کلی نتایج آزمون قابلیت اعتماد نشان می‌دهد که گویه‌های مورد استفاده در این تحقیق از سازگاری و هماهنگی مناسبی برخوردارند و به‌عبارت دیگر مقدار آلفای ۰/۷۱ حاکی از همبستگی قابل قبول اجزای درونی شاخص تنبلی می‌باشد.

یافته‌های تحلیلی

در این بخش ابتدا نیمی از میانگین شاخص تنبلی میان ایران و گروه‌های کشورهای جهان ارائه می‌شود^۱ و سپس یافته‌های تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرند. گفتنی است که این گروه‌ها شامل تمامی کشورهای مورد بررسی است.

۱. برای امکان مقایسه نمرات متغیرهای تحقیق و سهولت در گزارش این نمرات، همه شاخص‌ها در این مقاله با استفاده از فرمول زیر مقیاس یافته‌اند:

$$S = \frac{X - \min}{\max - \min} * ۱۰۰$$

S: نمره متغیر در مقیاس جدید
 X: نمره متغیر در مقیاس قبلی
 min: کمترین نمره متغیر در مقیاس قبلی
 max: بیشترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

صورت کسر رابطه، تفاضل نمره متغیر و مقدار کمینه و مخرج کسر، تفاضل مقادیر بیشینه و کمینه متغیر می‌باشند. بر اساس این تغییر مقیاس، کمترین نمره‌ای که هر متغیر به خود اختصاص می‌دهد صفر و بیشترین مقدار ۱۰۰ است (چلبلی و جنادله، ۱۳۸۶: ۱۴۷).

اکنون توصیفی تطبیقی از میانگین کشورهای مورد مطالعه در هر یک از معرف‌های تشکیل‌دهنده شاخص تنبلی ارائه می‌شود؛

در ارتباط با اهمیت کار در زندگی؛ کشورهای آفریقایی (۱۵/۸۳) دارای کمترین میانگین و کشورهای ثروتمند (۶۹/۱۴) دارای بالاترین میانگین در میان کشورها می‌باشند. در ارائه ایده‌های جدید؛ کشورهای آسیای شرقی و جنوبی (۶۲/۰۷) از بیشترین میانگین و کشورهای آفریقایی از کمترین میانگین (۲۲/۸۵) برخوردارند.

از نظر اعتقاد به پولدار بودن افراد در جامعه؛ کشورهای آفریقایی کمترین میانگین (۲۳/۰۵) و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب بالاترین میانگین (۸۸/۰۷) را دارند. به لحاظ کمک به مردم نیز کشورهای عربی (۱۸/۸۵) کمترین میانگین و کشورهای آسیای شرقی و جنوبی (۵۱/۵۰) بیشترین میانگین را کسب کرده‌اند.

از نظر داشتن موفقیت‌های زیاد کشورهای عربی (۲۴/۳۲) کمترین میانگین و کشورهای ثروتمند (۷۹/۳۲) بیشترین میانگین را از آن خود کرده‌اند. به عبارت دیگر برای کشورهای ثروتمند داشتن موفقیت‌های زیاد نسبت به کشورهای عربی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در مطالبه پاداش و مزایای دولتی که افراد جامعه در اختیار ندارند؛ کشورهای ثروتمند (۸/۳۵) کمترین مطالبه و کشور ایران (۳۰/۷۴) خواهان بیشترین مطالبه دولتی هستند.

همچنین کشورهای عربی در عدم پرداخت کرایه کمترین میانگین (۷/۲۷) و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (۲۹/۱۵) بالاترین میانگین را در این زمینه دارند.

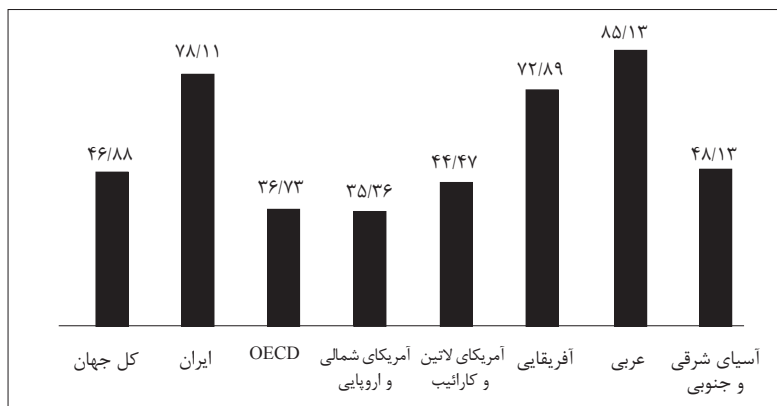
به لحاظ قابل قبول بودن تقلب در پرداخت مالیات؛ نتایج حاکی از آن است که کشورهای عربی کمترین میانگین (۵/۳۶) را در قابل توجه بودن تقلب در پرداخت مالیات دارند در حالی که کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی بیشترین میانگین (۲۲/۵۲) را دارند. به عبارت دیگر کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی نسبت به کشورهای عربی بیشتر تقلب در پرداخت مالیات را قابل توجه می‌دانند.

نظر به اینکه سخت‌کوشی نسبت به خوش‌شانسی زندگی بهتری را فراهم می‌کند؛ کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی بالاترین میانگین (۷۰/۱۳) و ایران کمترین میانگین (۱۵/۲۲) را کسب کرده‌اند. این بدان معناست که ایرانیان بر خلاف کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی بیشتر بر این نظرند که خوش‌شانسی زندگی بهتری را برای افراد به همراه می‌آورد.

در باب اینکه رقابت در سطح جامعه مفید تلقی می‌شود و یا زیان‌آور؛ کشورهای ثروتمند با میانگین (۶۱/۶۵) رقابت را از این نظر که مردم را به سخت‌کوشی و رشد ایده‌های جدیدشان برمی‌انگیزاند، خوب ارزیابی می‌کنند در حالی که ایرانیان با میانگین (۲۰/۰۷) این‌گونه رقابت را زیان‌آور تلقی می‌کنند.

جدول ۴: نیمرخی از شاخص تنبلی در ایران و کشورهای جهان

منطقه	متغیر	کشورهای آسیای شرقی و جنوبی ^۱	کشورهای عربی ^۲	کشورهای افریقایی ^۳	کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب ^۴	کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی ^۵	کشورهای ثروتمند ^۶	ایران	کل جهان
شاخص‌های تنبلی ^۱	اهمیت کار در زندگی	۵۰/۴۸	۳۴/۷۸	۱۵/۸۳	۲۶/۰۸	۶۶/۴۳	۶۹/۱۴	۲۷/۱۷	۴۸/۶۹
	ارائه ایده‌های جدید	۶۲/۰۷	۳۹/۶۱	۲۲/۸۵	۴۵/۳۰	۵۲/۵۷	۵۵/۵۷	۳۶/۰۰	۴۸/۶۰
	پولدار بودن	۵۷/۷۵	۳۴/۰۸	۲۳/۰۵	۸۸/۰۷	۶۹/۲۵	۸۲/۶۴	۳۵/۷۱	۶۴/۹۳
	کمک به مردم	۵۱/۵۰	۱۸/۸۵	۲۸/۰۸	۲۶/۱۲	۳۴/۰۲	۴۰/۵۷	۲۹/۱۴	۳۵/۴۱
	داشتن موفقیت‌های زیاد	۵۸/۵۸	۲۴/۳۲	۳۱/۰۲	۶۳/۷۶	۶۱/۷۰	۷۹/۳۲	۴۷/۲۱	۵۸/۹۴
	مطالبه پاداش و مزایای دولتی	۲۲/۶۴	۸/۵۷	۱۷/۵۷	۲۲/۹۳	۲۱/۱۴	۸/۳۵	۳۰/۷۴	۱۷/۶۸
	عدم پرداخت کرایه	۱۵/۷۰	۷/۷۲	۱۷/۸۹	۲۹/۱۵	۲۵/۰۹	۱۱/۱۸	۱۸/۰۱	۱۸/۶۷
	تقلب در پرداخت مالیات	۱۱/۴۵	۵/۳۶	۱۶/۶۲	۱۲/۱۱	۲۲/۵۲	۹/۶۷	۸/۹۴	۱۴/۱۸
	سخت‌کوشی یا خوش‌شانسی	۴۳/۲۱	۲۹/۶۹	۴۷/۹۸	۵۷/۷۵	۷۰/۱۳	۶۰/۰۵	۱۵/۲۲	۵۵/۷۵
	رقابت	۵۰/۷۹	۲۳/۸۰	۴۶/۳۸	۵۹/۹۳	۵۸/۹۹	۶۱/۶۵	۲۰/۰۷	۵۴/۲۸
میانگین شاخص تنبلی		۴۸/۱۳	۸۵/۱۳	۷۲/۸۹	۴۴/۴۷	۳۵/۳۶	۳۶/۷۳	۷۸/۱۱	۴۶/۸۸



نمودار ۱: میانگین شاخص تنبلی در کشورهای جهان

- کلیه شاخص‌ها دامنه‌ای از ۰ (فقدان) تا ۱۰۰ (حداکثر میزان) را دارند.
- کشورهای آسیای شرقی و جنوبی: کره جنوبی، هند، چین، تایوان، تایلند، اندونزی، ویتنام، مالزی و هنگ‌کنگ
- کشورهای عربی: اردن، مراکش، مصر و عراق
- کشورهای آفریقایی: افریقای جنوبی، غنا، بورکینافاسو، اتیوپی، مالی، رواندا و زامبیا
- کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب: گواتمالا، اوروگوئه، پرو، شیلی، برزیل، آرژانتین، مکزیک، کلمبیا
- کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی: نیوزیلند، نروژ، لهستان، سوئیس، اسلونی، بلغارستان، رومانی، ترکیه، اکراین، روسیه، قبرس، مولداوی، آندورا
- کشورهای ثروتمند: آلمان، فرانسه، انگلستان، هلند، سوئد، ایتالیا، کانادا، آمریکا، استرالیا، اسپانیا، ژاپن، فنلاند و گرجستان

در ادامه به منظور مقایسه میانگین شاخص تنبلی ایران با دیگر کشورهای جهان، از آزمون T بهره گرفته‌ایم^۱. نتایج آماری فرضیات تحقیق در قالب جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول ۵: آزمون آماری مقایسه تنبلی ایران با کشورهای جهان

میانگین تنبلی در ایران: ۷۸/۱۱						گروه کشورها
Sig	Df	آزمون T	انحراف معیار	میانگین*	فراوانی	
۰/۰۰۴	۸	۴/۲۹	۱۹/۷۶	۴۸/۱۳	۹	کشورهای آسیای شرقی و جنوبی
۰/۴۴۷	۳	-۰/۹۳۹	۱۲/۹۴	۸۵/۱۳	۴	کشورهای عربی
۰/۳۸۲	۶	۰/۹۸	۱۱/۹۱	۷۲/۸۹	۷	کشورهای آفریقایی
۰/۰۰۵	۸	۴/۸۰	۱۷/۱۵	۴۴/۴۷	۹	کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب
۰۰۰/۰	۱۲	۷/۴۸	۲۰/۶۰	۳۵/۳۶	۱۳	کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی
۰۰۰/۰	۱۲	۹/۸۴	۱۴/۵۷	۳۶/۷۳	۱۳	کشورهای ثروتمند
۰۰۰/۰	۵۴	۹/۵۱	۲۲/۷۳	۴۶/۸۸	۵۵	کلیه کشورهای جهان

تنبلی

۱۲۳

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، با توجه به اینکه میانگین ایران در میزان تنبلی ۷۸/۱۱ است، نتایج به صورت تفصیلی بدین شرح می‌باشد، لازم به یادآوری است که شاخص تنبلی در یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ قرار گرفته و بر اساس این مقیاس، کمترین نمره‌ای که این شاخص به خود اختصاص می‌دهد صفر و بیشترین مقدار ۱۰۰ می‌باشد:

* همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین تنبلی گروه کشورهای آسیای شرقی و آسیای جنوبی ۴۸/۱۳ است و با توجه به مقدار آماره ($T=۴/۲۹$)، تفاوت میانگین میزان تنبلی بین ایران و گروه کشورهای آسیای شرقی و جنوبی معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر فرضیه اول تحقیق مبنی بر میزان کمتر تنبلی در این گروه از کشورها نسبت به ایران تأیید می‌شود.

* گروه کشورهای عربی دارای میانگین ۸۵/۱۳ است. در اینجا با وجود بالاتر بودن میانگین تنبلی این کشورها نسبت به ایران مقدار آماره ($T=-۰/۹۳۹$) تفاوت میانگین میزان تنبلی میان ایران و گروه کشورهای عربی را معنادار نشان نمی‌دهد. پس فرضیه دوم تحقیق رد می‌شود.

* همچنان‌که در جدول فوق آمده است؛ میانگین تنبلی در میان گروه کشورهای آفریقایی ۷۲/۸۹ است. مقدار آماره ($T=۰/۹۸$) حاکی از آن است که اختلاف معناداری میان میانگین میزان تنبلی در بین ایران و گروه کشورهای آفریقایی وجود ندارد و میزان تنبلی در ایران به طور معناداری از کشورهای آفریقایی بیشتر نیست. بدین سان فرضیه سوم تحقیق مبنی بر بیشتر

۱. در این آزمون چنانچه sig از ۰/۰۵ بزرگتر باشد، فرض برابری میانگین‌ها تأیید می‌شود و اختلاف معناداری بین میانگین‌ها وجود ندارد. اما چنانچه sig از ۰/۰۵ کوچک‌تر باشد، فرض برابری میانگین‌ها رد می‌شود و نشان‌دهنده آن است که اختلاف معناداری بین میانگین‌ها وجود دارد (بابایی، ۱۳۸۳).
* میانگین تنبلی آماره‌ای از ۰ (فقدان تنبلی) تا ۱۰۰ (حداکثر تنبلی) است.

بودن میزان تنبلی در ایران نسبت به کشورهای آفریقایی رد می‌شود.

* تنبلی در کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب دارای میانگین ۴۴/۴۷ است و مقدار آماره T در این کشورها بیانگر آن است که میان میانگین میزان تنبلی ایران و گروه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر وجود تنبلی بیشتر در ایران نسبت به این کشورها، تأیید می‌شود. بدین معنا که میزان تنبلی به صورت معناداری در گروه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب از ایران کمتر است.

* چنانچه مشاهده می‌شود؛ میانگین تنبلی در گروه کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی ۳۵/۳۶ است. همچنین مقدار آماره ($T=7/48$) در این کشورها بیانگر آن است که تفاوت معناداری میان میانگین میزان تنبلی در ایران با این کشورها وجود دارد و این بدان معناست که میزان تنبلی در ایران از کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای اروپایی بیشتر است. پس فرضیه پنجم تحقیق نیز تأیید می‌گردد.

* برای آخرین گروه از کشورهای مورد بررسی یعنی کشورهای ثروتمند (کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا) نیز میانگین تنبلی ۳۶/۷۳ است. مقدار آماره T نیز در این کشورها (۹/۸۴) نشان‌دهنده آن است که اختلاف معناداری میان میانگین تنبلی در ایران و کشورهای ثروتمند وجود دارد. به عبارت دیگر فرضیه ششم تحقیق دال بر بیشتر بودن میزان تنبلی در ایران نسبت به کشورهای ثروتمند تأیید می‌شود.

* در نهایت بر اساس جدول بالا می‌توان دریافت که به‌طور کلی کشورهای مورد بررسی در این تحقیق دارای میانگین ۴۶/۸۸ و انحراف معیار ۲۲/۷۳ می‌باشند. مقدار آماره T این کشورها (۹/۵۱) حاکی از وجود اختلاف معنادار میانگین تنبلی ایران با کشورهای جهان است. به‌طوری که فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر کمتر بودن میزان تنبلی در سایر کشورهای جهان در مقایسه با ایران تأیید می‌شود. به عبارت دیگر بر مبنای نتایج آماری به‌دست آمده از آزمون T ، میزان تنبلی در ایران از دیگر کشورهای جهان که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به صورت معناداری بیشتر است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پی پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش مبنی بر اینکه «آیا ایرانیان از دیگر کشورهای جهان تنبل‌ترند؟» فرضیاتی را مطرح کرد و با تکیه بر داده‌های جهانی در دسترس محققان و استفاده از روش تطبیقی کمی، گویه‌هایی را جمع‌آوری کرده و شاخصی از تنبلی را ساخت تا بدین وسیله به تحلیل مقایسه‌ای میزان تنبلی در ایران و کشورهای مورد مطالعه بپردازد.

نتایج تحقیق در مجموع نشان می‌دهد که میانگین تنبلی مردم در ایران ۷۸/۱۱ است.^۱ این

۱. البته چنانچه در روش تحقیق نیز توضیح داده شد، این داده به دلیل استفاده از داده‌های در دسترس، یک داده تقریبی است و کاربرد اصلی آن در مقایسه ایران با سایر کشورها است و در استفاده از آن به‌عنوان شاخص اندازه‌گیری میزان تنبلی در ایران باید احتیاط کرد.

در حالی است که این میانگین در میان کلیه کشورهای جهان ۴۶/۸۸ می‌باشد و تفاوت میانگین میزان تنبلی بین کشور ایران و کلیه کشورهای جهان معنادار است. بدین معنی که تنبلی در کشور ایران (در سال‌های مورد مطالعه) به‌صورت معناداری بیشتر از میانگین کشورهای جهان بوده است.

در سطح طبقه‌بندی کشورها و مقایسه میانگین تنبلی آنها با ایران نیز با توجه به میانگین‌های زیر:

- کشورهای عربی (۸۵/۱۳)
- ایران (۷۸/۱۱)
- کشورهای آفریقایی (۷۲/۸۹)
- کشورهای آسیای شرقی و آسیای جنوبی (۴۸/۱۳)
- کل جهان (۴۶/۸۸)
- کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب (۴۴/۴۷)
- کشورهای ثروتمند (۳۶/۷۳)
- کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی (۳۵/۳۶)

می‌توان گفت که کشورهای عربی رتبه اول تنبلی را دارند و ایران با فاصله کمی بعد از کشورهای عربی در رتبه دوم قرار دارد. کشورهای آفریقایی نیز با فاصله خیلی نزدیکی بعد از ایران و در رتبه سوم جهانی قرار می‌گیرند. در ادامه همچنان که مشاهده می‌گردد کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی و کشورهای ثروتمند کمترین میانگین تنبلی را در سطح جهان دارند. با این حال در مورد میانگین تنبلی سه گروه از کشورهای عربی، آفریقایی و ایران، این نکته قابل تأمل است که بر مبنای آزمون T، تفاوت میانگین این سه گروه از کشورها معنادار نیست. به‌عبارت دیگر ایران به‌لحاظ میانگین تنبلی با کشورهای عربی و آفریقایی تفاوت معناداری ندارد. این در حالی است که دیگر گروه‌های کشورهای مورد بررسی در این تحقیق (کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب، کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی و کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا) از نظر میانگین تنبلی تفاوت معناداری با ایران دارند و به‌طور معناداری میانگین تنبلی ایران از این کشورها بیشتر است.

همچنین از مقایسه تطبیقی میانگین ایران با گروه‌های کشورهای مورد مطالعه در تک‌تک معرف‌های تشکیل دهنده شاخص تنبلی نیز این نکته برمی‌آید که میانگین ایران در اکثر معرف‌ها مطلوب نبوده است.

داده‌های تطبیقی مورد استفاده در این مطالعه در سطح فردی بوده و بیشتر نظر افراد را درباره کار و موفقیت و تنبلی می‌سنجد. این داده‌ها برای آنکه نشان دهند تمایل به تنبلی در ایران، این کشور را در کدام جایگاه در جهان قرار می‌دهد، بسیار راهگشا است.

اما داده‌های پیمایش تنبلی در ایران (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۹) نشان می‌دهد که میانگین میزان

تنبلی در تهران در دامنه‌ای از ۰ تا ۱۰۰ (حداکثر تنبلی) ۴۷/۵ است که (فارغ از مقایسه آن با دیگر کشورها) میزان بالایی است و در کنار مقایسه میزان تنبلی ایران با سایر کشورهای جهان، این نگرانی تشدید می‌شود و در مجموع حساسیت ایجاد شده در سال‌های اخیر درباره میزان تنبلی، حساسیت به‌جایی است. البته درباره این میزان دو نکته قابل تأمل است. یکی اینکه با توجه به پیش‌بینی روند تنبلی و کاهش اقصاری که بیشتر متمایل به تنبلی‌اند (مانند افراد با سواد کمتر)، احتمالاً تمایل به تنبلی در جامعه ایران رو به کاهش خواهد بود. (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۹) لذا لااقل در سطح تمایلات فردی، تنبلی در ایران، مسئله‌ای رو به‌رشد نیست. نکته دوم آنکه برخی وقایع یکه و موردی نشان می‌دهد که اگر اراده‌ای به حل مسئله‌ای یا ایجاد امری در ایران شکل گیرد، می‌توان تغییر جدی در جامعه مشاهده کرد. شواهد مربوط به رشد علمی و صنعتی در جامعه ایران در دو دهه اخیر، نشان از آن دارد که اگر این اراده، جزم شود، آنگاه تغییرات چشمگیر به وقوع خواهد پیوست.

در کنار این تبیین، باید توجه کرد که عطف توجه زیاد به یک مسئله برای تغییر در آن (همان‌گونه که در رشد علمی مشهود است) اگر نهادسازی نشود و به رویه تبدیل نشود، چندان قابل اتکا نیست و شاید خود نشانه از واکنش عاطفی به تنبلی باشد، چنانچه برخی از محققان و مشاهده‌گران جامعه ایران نیز آن را دیده‌اند.^۱ لذاست که تغییرات باید دائمی و فراگیر باشد، تا بتوان به آن امید بست. بارزترین نمونه آن، بزرگ‌ترین تلاش جمعی ایرانیان در چند سده اخیر (انقلاب اسلامی) است، که با الهام از رویه امام خمینی، به‌جای اتکا به تغییرات ناگهانی و اقدامات مسلحانه، بر تغییر تدریجی نگرش و آگاهی‌های مردم و حرکت تدریجی در مقابله با حکومت پهلوی و فراگیری آن در تمام اقصار و مناطق کشور مبتنی بود. این نمونه موفق، می‌تواند الگویی برای هر گونه تغییر کلان در جامعه ایران باشد و با اتکای به آن، می‌توان به آینده جامعه ایران در این راستا، امید داشت.

اما، جدای از امید در سطح کلان و درازمدت، خوش‌بینی بیش از حد به اینکه میزان تمایل به تنبلی در ایران خیلی نیست، یا اقصاری از جامعه تمایل به تنبلی دارند که در سایر مسائل اجتماعی هم می‌توان آنها را درگیر دید، یا اینکه با افزایش سطح تحصیلات و... امید به کاهش میزان تنبلی می‌رود، با توجه به جایگاه ایران در جهان در مقیاس تنبلی، تا حدی رنگ می‌بازد و جای خود را به نگرانی می‌دهد. با توجه به میزان گرایش به تنبلی در تهران، در کنار مقایسه

۱ «قانون طبیعی آسودن و جنبیدن در مورد ایرانیان صدق می‌کند. اگر ایرانی را به حال خود بگذارید بیشتر به آسودن رغبت دارد، اما اگر اوضاع و احوال او را به جنبیدن برانگیزد دیگر قادر به انجام کارهای خارق‌العاده است.» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۱۸) «در مورد ایرانی رابطه خاصی بین استراحت و فعالیت وجود دارد. پس از آنکه به اقتضای اوضاع و احوال، سالیان دراز خود را خانه‌نشین کرد و در آن مدت طولانی برای اینکه سوءظنی ایجاد نشود به زحمت جرات یک‌بار بیرون آمدن از خانه را به خود داد و ۱۴ ساعت در روز خوابید و بقیه را در حرم‌سرا به‌سر آورد (اشاره به شاه پهماسب صفوی)، در اثر تغییر اوضاع ناگهان از تفریط به افراط می‌گراید؛ دیگر فقط پنج یا شش ساعت می‌خوابد، در کار آسودگی نمی‌شناسد و سخت‌ترین شرایط را متحمل می‌شود.» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۳۷).

میزان تنبلی ایران با سایر کشورهای جهان، این نگرانی تشدید می‌شود و در مجموع حساسیت ایجاد شده در سال‌های اخیر درباره میزان تنبلی، حساسیت به‌جایی است. البته پژوهش یاد شده نشان می‌دهد که علت‌های تنبلی بیش از آنکه در سطح فردی باشد، مسئله سیستمی است و ضعف نظارت‌های سیستمی و عملکردهای متعارض سیستم‌ها، بیش از تمایلات فردی در ایجاد تنبلی مؤثر است. لذا برای بهبود مسئله تنبلی، باید تمرکز عمده را بر راهکارهای اجتماعی کاهش تنبلی گذاشت. در ادامه تلاش می‌شود که برخی راهکارهای کاهش تنبلی در دو سطح فردی و جمعی به‌طور مختصر بیان شود.

راهکارهای کاهش تنبلی

درباره تنبلی و راه‌های کاهش آن بسیار می‌توان گفت و راه‌حل ارائه کرد. برخی از این راهکارها، بر دین و اخلاق اتکا دارد، برخی بر یافته‌های روان‌شناختی و برخی دیگر نیز از علوم اجتماعی بهره می‌گیرند. نظریه‌های گوناگون اخلاقی، داده‌های دینی و نیز نگرش روان‌شناختی به مسئله در یک موضوع مشترک‌کاند و آن تأکید بر بعد فردی است. در این رویکردها، تلاش می‌شود تا اهمیت تصمیم و تلاش فردی بازگو شده و وجهه همت آنها این است تا به فرد، مخاطرات فقدان کار و تلاش، اهمال کاری و تنبلی را نشان دهند و مزایای کار و کوشش را نیز بیان کنند. البته در باب دین، بیشتر تأکید بر نوع استفاده‌ای است که تاکنون از منابع دینی شده است و گر نه با استفاده از مفاهیم دینی و مفهوم غنی‌ای چون حق الناس، می‌توان عناصر اجتماعی و ساختاری کاهش تنبلی را نیز بنا نهاد.

راه‌حل‌های تنبلی فردی: تأکید اساسی ادبیات دینی بر تلاش و کار، موضوع روشنی است. و تأکید مضاعف بر کار این دنیایی و اینکه اگر کسی برای معاش دنیایی خود تنبلی به خرج دهد، قطعاً برای کسب اجر اخروی تنبلی بیشتری دارد نیز نمونه دیگری است. پیوند زدن تلاش و کاری (حتی دنیوی) با خواست و رضایت الهی، راهی است مطمئن برای پرهیز از تنبلی در یک جامعه دینی. و اگر علیرغم این همه تأکید آشکار دینی، هنوز هم در جامعه با تنبلی روبرو هستیم، مسئله‌ای است که سایر ابعاد اخلاقی مانند دروغ، غیبت، نگاه به نامحرم، بی‌اعتنائی به حرمت و حلیت مال و ... نیز با آن مواجه هستند و باید در جای دیگر به‌صورت جامع مورد بررسی قرار گیرد.

آموزه‌های دین (و اخلاق) برای رفع تنبلی و بطالت راهگشا است، اما روان‌شناسی نیز برای رفع تنبلی، راه‌های ملموسی بیان کرده است. درمان اهمال کاری از نظر آقاتهرانی (۱۳۸۳) (با ترکیب روان‌شناسی و منابع دینی) به‌شرح زیر بیان شده است: تلاش برای ایجاد انگیزه و پرهیز از تنبلی و بی‌حالی؛ با یک یا چند شکست خود را حقیر ندانستن و همت به‌خرج دادن؛ عزم را جزم کردن برای شکستن سستی و بی‌حالی؛ درک خطر بی‌حالی و تنبلی؛ توجه به نتایج وحشتناک اهمال کاری؛ پرهیز از غفلت؛ توجه به اینکه تنبلی عامل برانگیزاننده خشم خداوند

است؛ پرهیز از توجیه؛ تلقین درمانی؛ تنبیه و شرطی شدن اجتماعی؛ تغییر محیط؛ ایجاد عشق و علاقه؛ یافتن دوست منضبط؛ بازی با احتمالات؛ خودتنظیمی و یادآورنده‌ها؛ استفاده از شیوه هم‌پیمانی؛ عدم انتظار پیشرفت سریع؛ روش هیجانی غلبه بر اهمال کاری؛ وادار کردن فرد به انجام کار با استفاده از زور؛ تمرین مبارزه با شرم و کم‌رویی؛ خودآشکاری حقیقی؛ نقش بازی کردن؛ ابراز احساسات؛ صحنه‌پردازی‌های ذهنی؛ دسترسی به استعداد‌های انسانی؛ خودباوری لحظه‌ای.

بلس نیز در کتاب روان‌شناسی تنبلی (۱۳۸۶) دوازده قدم زیر را برای کاهش تنبلی ذکر می‌کند: نگرش تازه؛ برنامه‌ریزی؛ غلبه بر ترس از شکست؛ توان خود را بالا ببرید؛ سخت‌گیری به خرج دهید؛ محیط مناسب کار و فعالیت؛ از اصل تقویت استفاده کنید؛ تأخیرهای عمدی؛ استفاده مناسب از زمان؛ استفاده از یادداشت؛ درمان چهل بهانه مهم.

جدای از کتاب‌های کلاسیک درباره تنبلی، کتاب‌های خودیار^۱ فراوانی نیز به موضوع تنبلی پرداخته‌اند. تعداد زیاد این کتاب‌ها و اقبال به آن، هم نشان از یک مسئله بین‌المللی دارد و هم از وجود مسئله در ایران حکایت می‌کند و هم آمادگی برای تغییر را در مردم نشان می‌دهد. برایان تری سی در کتاب خودیار قورباغه‌ها را قورت بده (۱۳۸۸) (که از معروف‌ترین کتاب‌های عملی درباره مقابله با تنبلی است و تاکنون در ایران بارها و توسط ناشران متعدد منتشر شده) راه‌های عملی تری را ارائه می‌کند. راه‌حل اصلی وی در جمله کلیدی «قورباغه‌ها را قورت بده» است، که از این جمله مارک تواین گرفته شده که «اگر اولین کاری که باید هر روز انجام دهی، این باشد که قورباغه را قورت بدهی، در بقیه روز خیالت راحت است که سخت‌ترین و بدترین کاری را که ممکن است در تمام روز برایت پیش بیاید، انجام داده‌ای». کاری سخت‌تر و ناخوشایندتر از قورت دادن یک قورباغه نیست و تری سی قانون طلایی خود را ارائه می‌کند: «اگر قرار است دو تا قورباغه بخوری، اول آن یکی را که زشت‌تر است بخور.» (تریسی، ۱۳۸۸: ۲۵). راه‌حل تری سی به صورت مختصر چنین است: فوراً اقدام کنید؛ عادت‌های موفقیت را در خودتان ایجاد کنید؛ در خودتان اعتیاد مثبت ایجاد کنید؛ هیچ راه میان‌بری نیست، باید تمرین کنید؛ خودتان را همان کسی مجسم کنید که دوست دارید باشید؛ هدف‌تان را روشن کنید و بنویسید؛ برای هر روز از قبل برنامه‌ریزی کنید؛ قانون ۸۰-۲۰ را در همه امور به کار بگیرید؛ پیامد کارها را در نظر داشته باشید؛ روش تنبلی سازنده (تنبلی در انجام کارهای بیهوده) را تمرین کنید؛ روش الف ب پ ت ث را مدام به کار بگیرید و کارها را اولویت‌بندی کنید؛ روی حوزه‌های کلیدی تمرکز کنید؛ روی سه مورد مهم تمرکز کنید؛ پیش از شروع، مقدمات کار را کاملاً فراهم کنید؛ هر بار فقط تا جایی که می‌توانید به جلو بروید؛ مهارت‌های کلیدی‌تان را بالا ببرید؛ استعداد‌های منحصر به فردتان را تقویت کنید؛ محدودیت‌های اصلی‌تان را مشخص کنید؛ خودتان را تحت فشار بگذارید؛ قدرت‌های فردی خود را به حداکثر برسانید؛ خودتان را به

فعالیت ترغیب کنید؛ خودتان را از گرداب‌های عصر تکنولوژی نجات دهید؛ کار را به قسمت‌های کوچک‌تر تقسیم کنید؛ وقت‌تان را به قطعات بزرگ تقسیم کنید؛ در خودتان احساس اضطراب ایجاد کنید (زمانی مناسب‌تر از همین الان وجود ندارد)؛ هر بار یک کار انجام دهید.

راه‌حل‌های اجتماعی تنبلی: تنبلی سه قسم است. (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۹) ۱. تنبلی فردی ۲. تنبلی اجتماعی‌ای که برآیند تنبلی فردی است. ۳. تنبلی اجتماعی که ربطی به افراد ندارد بلکه مسائلی در سطح اجتماعی و ساختارهای آن است که باعث ایجاد تنبلی می‌شود. برای این نوع از تنبلی منته‌ج از اعمال کنشگران اجتماعی، که نیت ایجاد تنبلی هم ندارند، راه‌حل‌های دیگری باید داد که لزوماً ارتباطی به افراد ندارد و در عوض ساختارهای اجتماعی را هدف می‌گیرد. البته با توجه به روندها در جامعه ایران، مسئله تنبلی در بعد فردی، به اندازه بعد اجتماعی آن جای نگرانی ندارد. آنچه بیش از اندازه اهمیت دارد و کمتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته است، مسئله تنبلی اجتماعی و میزان و نحوه تلاش سیستم برای حل آن است.

این بحث از آن رو اهمیت دارد که تعریف اجتماعی تنبلی بر این پایه استوار است که موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن افراد تنبل نیستند، اما سیستم به گونه‌ای است که محصول زحمات افراد (یا خرده‌نظام‌های اجتماعی) به هدر می‌رود و لذا جامعه به نتیجه دلخواه خود نمی‌رسد. بر این اساس، مقدمه هر نوع برنامه‌ریزی برای هر مسئله اجتماعی، تنظیم هماهنگی سیستم است. با توجه به شواهدی که در ادامه ذکر خواهد شد، مسئله اساسی سیستم که منجر به تنبلی شده، این بعد است (که البته خود نیازمند تحقیق دیگری می‌باشد).

برخی از نظریات در باب دولت، یکی از وظایف دولت را تربیت شهروندان می‌داند. اما در هر حال و با هر مبنایی، بخش دیگری از وظایف سیستم، پیدا کردن آن دسته از ناهماهنگی‌ها و نقایص است که باعث ایجاد تنبلی و رخوت و رکود می‌شود.

آنچه دورکیم درباره علل نابسامانی (بی‌سامانی)^۱ اجتماعی به صورت مفصل در دو کتاب تقسیم کار اجتماعی (۱۳۸۱) و خودکشی (۱۳۷۸) بیان کرده، می‌تواند گوشه‌هایی از مسئله را نشان دهد. دورکیم در تقسیم کار اجتماعی (۱۳۸۱: ۳۲۵) می‌گوید که اگر تقسیم کار اجتماعی به ایجاد همبستگی نمی‌انجامد، دلیلش این است که مناسبات اندام‌ها، مناسباتی تنظیم‌شده و تابع قواعد و مقررات نیست، یعنی در حالت نابسامانی قرار دارند... در هر جا که اندام‌های همبسته، تماس لازم و به حد کافی مداوم را با یکدیگر داشته باشند، به وجود آمدن نابسامانی در آنجا غیرممکن است. زیرا اگر این اندام‌های همبسته در جوار یکدیگر باشند، در هر لحظه، از نیازی که به هم دارند به آسانی آگاه می‌شوند و در نتیجه احساس شدید و پیوسته‌ای از وابستگی متقابل خویش به یکدیگر خواهند داشت. و از آنجا که به همین دلیل، تبادل مابین آنها به آسانی صورت می‌گیرد، تداوم و نظم موجود در تماس‌ها بیشتر است؛ بدین سان، تبادل‌های نامبرده مابین اندام‌ها خودبه‌خود تحت نظم و قاعده درمی‌آید و زمان هم به تدریج در این امر

تأثیر می‌گذارد و آن قاعده‌ها را تثبیت می‌کند.

همچنین دورکیم در جای دیگری (۱۳۸۱: ۳۴۵) درباره‌ی صور نابهنجار تقسیم کار اجتماعی می‌گوید: «مواردی وجود دارد که اگر تقسیم کار خیلی جلو برود، یکپارچگی حاصل از آن در مجموع بسیار ناقص خواهد بود. این مسئله ناشی از فقدان یک اندام تنظیم‌کننده، فقدان مدیریت است... نخستین کار هر مدیر هوشمند آن است که شغل‌های بیهوده را بردارد و کار را چنان تقسیم کند که هر کسی به حد کافی مشغولیت داشته باشد، یعنی فعالیت مفید هر کارمندی را بالا ببرد تا به موازات بهبود اقتصادی، نظم هم خود به خود برقرار گردد.» تالکوت پارسونز، جامعه‌شناس آمریکایی نیز همین بحث را درباره‌ی نظام‌های اجتماعی و ارتباط میان آنها برقرار می‌کند و بر تعادل میان نظام‌های اجتماعی تأکید فراوان می‌کند.

با توجه به تذکر دورکیم درباره‌ی نقش هماهنگ‌کنندگی در بقای سیستم و کاهش تنبلی افراد، مسئله مهم در این باب آن است که سازمان‌های برنامه‌ریز فراوانی در حوزه فرهنگی و اجتماعی وجود دارند که عملکرد داخلی آنها و نیز عملکرد آنها با سایر دستگاه‌ها با هم‌سازگاری ندارد و همین ناسازگاری باعث آن می‌شود تا سیستم با کندی عملکرد روبرو شود. همچنین بخش‌های اقتصادی و سیاسی جامعه نیز رفتارهایی دارند که به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن بی‌توجهی می‌شود.

مسائل مرتبط با تنبلی در این باره اولاً این است که در هر یک از نهادها، به دلیل پایین بودن اعمال اقتدار یا نقص کارکرد دولت^۱ مستقلاً عمل می‌شود یا نهاد هماهنگ‌کننده‌ای وجود ندارد که رفتارها را با هم سازگار کند. ثانیاً، بیش و پیش از آنکه در همه چیز نهادهای هماهنگ‌کننده نظارت کامل داشته باشند، باید اجماع بر سر وظایف و نحوه اجرای آن وجود داشته باشد. اجماع بر سر ارزش‌ها و وظایف، مقوله‌ای است که نیاز به بسیاری از نظارت‌ها را کاهش می‌دهد و به جای آن، افراد بر اساس پذیرش درونی خود عمل می‌کنند. و ثالثاً مجریانی که در این نهادها و سازمان‌ها عمل می‌کنند، نیز باید آن وظایف و اهداف را به صورت درونی پذیرفته باشند و برای تحقق آنها تلاش کنند. یعنی برای عملکرد درست آنها، نیاز چندانی به نظارت آنها نباشد. اکنون در جامعه ایران ما با هر سه مسئله روبرو هستیم، یعنی ضعف کارکرد نظارتی و هماهنگ‌کننده حکومت، فقدان اجماع ارزشی در جامعه و نهادهای گوناگون جامعه‌پذیرکننده در جامعه و عدم پذیرش اهداف توسط مجریان.

در مورد اول، بسیاری از امکانات دولتی و عمومی به صورت‌های گوناگون در بخش‌های فرهنگی، تربیتی و سایر حوزه‌های مرتبط (ورزشی، گردشگری و...) هزینه می‌شود و برنامه‌های فراوانی نیز در این باب تدارک دیده می‌شود. اما به دلیل ناسازگاری میان این نهادها، هر نهادی کار خود را می‌کند و نهادی هماهنگ‌کننده نیز وجود ندارد که آنها را به راه درست بازگرداند.

۱. در سراسر این بخش دولت به معنای state گرفته شده که معنایی وسیع‌تر از حکومت government دارد و با معنای اصطلاحی آن در ایران به معنای قوه مجریه متفاوت است.

مواردی از این دست، هیچ نهاد بالادستی نیست که میان این فعالیت‌ها و تناقض میان آنها داوری و تصمیم‌گیری نماید. از این‌رو آموزش و پرورش راه خود را می‌رود و صدا و سیما راه خود را. مسئله دیگر در این است که گاه سیستم (که خود بر اساس نظریه فردگرایی روش شناختی، تشکیل شده از افراد تنبل است)، به موضوع تنبلی دامن می‌زند. مثال بارز آن تعطیلات است. سال‌هاست که جامعه ایران از دو مقوله بین‌التعطیلین و نیز تعطیلات نوروزی آسیب می‌بیند. تمایل به کار نکردن در جامعه ایران زیاد است و سیستم نیز با تصمیم‌گیری‌های نادرست به آن دامن می‌زند. تعطیل کردن مدارس و نیز تشویق ادارات دولتی به دادن مرخصی به کارکنان خود در روزی که بین یک تعطیلی ملی - مذهبی و روز آخر هفته قرار دارد، اکنون به‌عنوان یک رسم رایج درآمده است. این مسئله، علاوه بر آنکه، مسئولیت پایین بودن بهره‌وری یا افزایش تنبلی را بر عهده تعطیلات انقلابی - مذهبی می‌گذارد، دارای پیامدهای گسترده‌ای است. چون به همه افراد جامعه توصیه می‌شود که در سه روز مشخص به مسافرت بروند و لذا جدای از تعطیلی آن روزها و کم شدن میزان کار، اکثر کسانی هم که در این روزها به مسافرت می‌روند، با ترافیک بسیار سنگینی روبرو می‌شوند و با روحیه‌ای کسل و خسته به سر کار باز می‌گردند. همین مسئله نیز درباره تعطیلات ابتدای سال مشهود است. حجم زیاد تعطیلات نوروزی (که در دانشگاه‌ها به حدود یک ماه می‌رسد)، باعث می‌شود تا سرعت کار در جامعه ناگهان به صفر برسد و پس از آن نیز مدتی طول می‌کشد تا جامعه به‌رویه عادی خود بازگردد. باز هم در اینجا، با کلافگی و بیکاری مطلق روبرو هستیم. همه برنامه‌های تلویزیونی می‌بینند و به میهمانی‌های تکراری می‌روند.

لذا باید عزمی باشد که این تعطیلات طولانی و بی‌منطق کاسته شود و به چهار روز بازگردد. در عوض می‌توان فرصتی برای مردم تدارک دید که در طول سال (جز تابستان) امکان مسافرت داشته باشند یا برخوردار از تعطیلات باشند. اکنون که بیشتر افراد جامعه فرزند محصل دارند، امکان رفتن به مسافرت برای آنها جز در بین‌التعطیلین یا در عید موجود نیست. لذا باید این امکان را برای دانش‌آموزان فراهم کرد تا بتوانند از مرخصی یک هفته‌ای در طول سال تحصیلی استفاده کنند و به همراه خانواده خود به مسافرت بروند.

مسئله دیگر آن است که به دلیل فقدان یا ضعف نهاد بالادستی، آنچه برای یک نهاد موفقیت محسوب می‌شود، از منظر نهاد دیگر، گاه زیان‌آور است. نمونه بارز آن سریال‌ها و فیلم‌های جذاب تلویزیونی است که کودکان، جوانان و بزرگسالان را ساعت‌ها پای گیرنده‌ها می‌نشانند. بر اساس آخرین آمار ملی انجام شده توسط شورای فرهنگ عمومی (طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۹۰)، متوسط میزان مشاهده تلویزیون ایران در ایام غیرتعطیل، ۲/۷ ساعت در روز است. چندان انتظار درستی نیست که یک نهاد دولتی (که چندان نیازی هم به استفاده از آگهی بازرگانی ندارد) و از آن به «دانشگاه» و نهاد تربیت‌کننده یاد شده، همت خود را نه بر تربیت که بر سرگرمی بگذارد و در این مسیر آن قدر جلو رود که بیننده (مثلاً در

سریال‌های ماه رمضان) بلافاصله پس از تمام شدن سریال در یک شبکه و در حالی که تیتراژ انتهایی سریال هنوز تمام نشده، به سرعت کانال تلویزیون را عوض کرده و سریال بعدی را در شبکه دیگر دنبال کند. این سیاست متناقضی است که از بیننده انتظار درسخوانی و کوشش داشته باشیم و آنگاه این همه امکانات جذاب مداوم (مثلا شبکه آی فیلم) در دسترس او باشد و برای تماشای آن هم مدام تبلیغ شود. گاه این ناهماهنگی، نه میان تلویزیون و سایر نهادهای فرهنگی، که میان خود شبکه‌های تلویزیونی رخ می‌دهد و مسابقه‌ای پنهان بین شبکه‌های تلویزیونی برای جذب مخاطب شکل می‌گیرد.

در انتها، مناسب است به تجربه مالزی اشاره شود. علیرغم نظر العطاس (۱۹۷۷) که افسانه «بومی تنبل» توسط شرق‌شناسان ایجاد شده و مردم آسیای جنوب شرقی (مالزی، فیلیپین و جاوه) از این اتهام بری هستند، ولی نظرات ماهاتیر محمد و تجارب عینی از مالزی نشان‌دهنده کندی و تنبلی مردم مالزی است. این کندی نه در رفتار که حتی در ارتباطات اجتماعی نیز به چشم می‌خورد و همه چیز با اندکی تأخیر بیان می‌شود و پاسخ داده می‌شود و انجام می‌شود. اما آنچه مالزی را امروزه در رتبه هفدهم اقتصاد جهانی نشاندهنده است، دولتی کارآمد است که با آگاهی از این ضعف، توانسته بر بسیاری از خلاءها و نقاط ناهماهنگ غلبه کند و سیستمی سریع (و برگرفته از مردمی کند) ایجاد کند.

این تجربه، که جای بسط بیشتر نیز دارد از این واقعیت حکایت دارد که «آغاز» روند پیشرفت و توسعه در جامعه، بیش از آنکه به تلاش فراوان محتاج باشد، به حذف موانع نیاز دارد. و الا هر چه تلاش باشد، وقتی موانع موجودند، تنها خستگی و ناامیدی می‌افزاید.

گر نه موش دزد در انبان ماست/ گندم انبان چل ساله کجاست
اول ای جان دفع شر موش کن/ وانگهان در جمع گندم کوش کن

* این مقاله برگرفته از تحقیقی است با عنوان «تنبلی اجتماعی؛ علل، پیامدها و راهکارها» است که برای دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است.

منابع

۱. آقانهانی، مرتضی. (۱۳۸۳). اهمال‌کاری؛ بررسی علل و راهکارهای درمان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲. آلیس، آلبرت و ویلیام جیمز نال. (۱۳۷۵). روان‌شناسی اهمال‌کاری. محمدعلی فرجاد. تهران: امید.
۳. اورسل، ارنست. (۱۳۵۲). سفرنامه اورسل ۱۸۸۲ میلادی. علی‌اصغر سعیدی. تهران: زوار.
۴. بابایی، یحیی (۱۳۸۳). درسنامه کاربرد کامپیوتر در علوم اجتماعی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۵. بازرگان، مهدی (عبدالله متقی). (۱۳۵۷). سازگاری ایرانی: فصل الحاقی روح ملت‌ها. تهران: یاد.
۶. بلس، ادوانس. (۱۳۸۶). روان‌شناسی تنبلی. مهدی قرچه‌داغی. تهران: دایره. چاپ هشتم.
۷. بنجامین، سموئیل گرین ویلر. (۱۳۶۶). ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه). تهران: جاویدان.
۸. بودون، ریمن. (۱۳۶۴). منطق اجتماعی. عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: مروارید.
۹. پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان. کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
۱۰. تری‌سی، برایان. (۱۳۸۸). قورباغه‌ها را قورت بده. اشرف رحمانی و کورش طارمی. تهران: راشین. چاپ بیست و چهارم.
۱۱. جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۴۵). خلیقات ما ایرانیان. تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
۱۲. جوادی‌یگانه، محمدرضا و سیدضیاء هاشمی (۱۳۸۷) نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی. نامه علوم اجتماعی. دوره شانزدهم. شماره ۳۳. بهار. ۱۶۱-۱۳۳.
۱۳. جوادی‌یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۹). تنبلی اجتماعی: علل، پیامدها و راهکارها. پژوهش انجام شده برای دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۴. چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۵. چلبی، مسعود و علی جنادله. (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر موفقیت اقتصادی. پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. ویژه‌نامه جامعه‌شناسی. شماره ۵۳. بهار.
۱۶. دورکیم، امیل (۱۳۷۸). خودکشی. نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۷. دورکیم، امیل (۱۳۸۱). تقسیم کار اجتماعی. باقر پرهام. تهران: مرکز.
۱۸. راگین، چارلز. (۱۳۸۸). روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی. محمد فاضلی. تهران: انتشارات آگه.
۱۹. رایت، دنیس. (۱۳۸۵). ایرانیان در میان انگلیسی‌ها. کریم امامی. تهران: فرزانه روز.
۲۰. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
۲۱. طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی سیاسی کلان (تحلیل بین‌کشوری از بی‌ثباتی سیاسی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲۲. شورای فرهنگ عمومی. (۱۳۹۰). طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور.

۲۳. قاضی مرادی، حسن. (۱۳۷۸). در پیرامون خودمداری ایرانیان. تهران: ارمغان.
۲۴. کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی
۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). چکیده آثار آنتونی گیدنز. ویراستار فیلیپ کسل. حسن چاوشیان. تهران: ققنوس.
۲۶. لیتل، دانیل. (۱۳۷۳). تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع. عبدالکریم سروش. تهران: صراط.
۲۷. مورگان، ژان ژاک. (۱۳۳۵). سفرنامه دموورگان. جهانگیر قائم مقامی. اصفهان: طوبی نصف جهان.
۲۸. موریه، جیمز. (۱۳۸۰). سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. میرزا حبیب اصفهانی. ویرایش جعفر مدرس صادقی. تهران: مرکز.
۲۹. وامبری، آرمینوس. (۱۳۷۲). زندگی و سفرهای وامبری: دنباله سیاحت دروغی درویشان. محمدحسن آریا. تهران: علمی و فرهنگی.

30. Alatas, Syed Hissein. (1977). *The Myth of The Lazy Native; A Study of the Image of the Malays, Filipinos and Javanese from the 16th to the 20th Century and Its Function in the Ideology of Colonial Capitalism*. London: Frank Cass.
31. Boudon, R. (1998). Limitations of Rational Choice Theory. *The American Journal of Sociology*. 104. 3; 817-828.
32. Harsanyi, J. C. (1998). Advances in Understanding Rational Behavior . In: Elster, J. (ed.). *Rational Choice*. Oxford: Basil Blackwell.
33. Ragin, Charles. (1987). *The Comparative Method*. Los Angeles: University of California Press.
34. Stark, R. (1994). Rational Choice Theories of Religion. *The Agora Online* (Newsletter of Rationality and Society Section of the American Sociological Association and the Research Committee on Rational Choice of the International Sociological Association). 2 (1): 1-4.
35. Udehn, L. (2001). *Methodological Individualism; Background, History and Meaning*. London: Routledge.
36. World Bank: <http://data.worldbank.org/>
37. World Values Survey:<http://www.worldvaluessurvey.org/>
38. World Development Indicators: <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>